

رشته‌های البرز

همکارانمان در استان البرز، وقتی شنیدند می‌خواهیم مجله «هنرجو» داشته باشیم و در آن فقط از هنرستانی‌ها بگوییم و بشنویم، مشتاقانه استقبال کردند و ما را پای صحبت‌های هنرستانی‌های دختر و پسر استان البرز نشانند.

ساعت ۱۲ ظهر، تابستان ۹۹، هنرستان فنی‌وحرفه‌ای پسرانه موفقیان، استان البرز، منطقه محمدشهر، چهار پسر هنرستانی، چهار رشته متفاوت

سعید قدیانلو: رشته ماشین‌ابزار، پایه دهم

تابستان سال نهم اصلاً نمی‌دانستم چه رشته‌ای باید بخوانم، ولی دوست داشتم کار یاد بگیرم و کار کنم. نیاز مالی نداشتم، کار فنی را دوست داشتم. پدر دوستم مرا با یک نفر آشنا کرد و من تراشکاری را تجربه کردم. آنقدر علاقه‌مند شدم که وقتی دنبال کردم، متوجه شدم رشته ماشین‌ابزار به تراشکاری خیلی نزدیک است. الان هم در همین زمینه کار می‌کنم و ماهی یک میلیون تومان درآمد دارم. رفتم که به‌عنوان شاگرد کار کنم و یاد بگیرم، اما چون دیدند دارم کار را پیش می‌برم، به من کار دادند. در حال حاضر کار ثابت دارم و درآمد ثابت. الان مرخصی گرفته‌ام و آمده‌ام برای این گفت‌وگو.

من معلم ۱۹/۸۰ بودم. برادرم تجربی خواند و خانواده دیدند با دیپلم و حتی لیسانس نمی‌توان کاری کرد. اما با دیپلم هنرستان شما کار بلدی و می‌توانی مشغول کار شوی؛ حداقل در مغازه‌ای شروع به کار کنی. با هنرستان راحت‌تر و سریع‌تر به هدفم می‌رسم. خانواده‌ام کاملاً موافق بودند. هیچ گله‌ای نداشتند. الانم خیلی راضی هستم.

آدم باید علاقه را در خودش ببیند. من وقتی را می‌گذارم روی کار کردن و هم تجربی کار می‌کنم و هم علمی را در مدرسه می‌خوانم. پس بهتر نتیجه می‌گیرم.

دوستم هم کلاس دهم رشته حسابداری است و در شرکت دایی خود کارهای حسابداری را انجام می‌دهد. بچه‌هایی که یک حرفه بلدند، بی‌کار نمی‌مانند.

رشته ما هزینه‌چندانی ندارد. فقط ابزار نقشه‌کشی و تخته رسم خریدیم. کتاب‌هایمان هم خیلی خوب هستند. به آدم کار یاد می‌دهند. کتاب الزامات محیط کار خیلی خوب است.

ما امسال، به‌خاطر تعطیلی‌های کرونایی، نتوانستیم برویم کارگاه. خیلی از کارهای عملی، مثل کار با دستگاه تراش را نتوانستیم انجام دهیم؛ تولید به روش فرم دستی را ندیدیم. سال بعد هم این درس‌ها را نداریم. معلوم نیست باید چه کنیم! نمی‌دانم در پایه یازدهم آن را یاد می‌گیریم یا نه!





هر چند خیلی‌ها به بچه‌های فنی چندان بهایی نمی‌دهند، اما معلم دانش فنی ما فوق‌العاده است. من نظیرش را ندیده‌ام. در شرایط کرونایی هم خیلی عالی با ما کار کرد. معلمان تخصصی‌مان خیلی دل‌سوزاندند. کرونا شرایط را به هم ریخت. امتحان‌ها را آنلاین دادیم و خیلی چیزها را یاد نگرفتیم.

در هنرستان اعتمادبه‌نفس بیشتر و جسارت پیدا کرده‌ایم. شاید هم چون جسارت داشته‌ایم آمده‌ایم هنرستان! اگر دانش‌آموزی به هیچ رشته و درسی، چه دبیرستانی و چه هنرستانی، علاقه ندارد، راه مرا امتحان کند. من به هیچ رشته‌ای علاقه نداشتم، اما وقتی رفتم کار کردم، خیلی راضی شدم. فهمیدم باید چه بخوانم.

امیرمحمد محمودخانی: رشته شبکه و نرم‌افزار، پایه دوازدهم

از همان سال نهم، موقع انتخاب رشته، بین دبیرستان و هنرستان دودل بودم. پس از پرس و جو، هنرستان را انتخاب کردم. الان که درس خوانده‌ام، فهمیده‌ام فرق چندانی ندارد که ریاضی می‌خواندم یا به هنرستان می‌آمدم. بچه دبیرستانی ریاضی‌اش بهتر است، اما دانش‌آموز هنرستانی، چون پای سیستم و کدنویسی نشست، در کارهای عملی از بچه‌های نظری جلوتر است.

با معدل ۱۸/۷۵ وارد هنرستان شدم. در سال دهم خیلی پیشرفت کردم و معدل ۱۹/۲۴ شد. سال دوم ۱۹ و امسال هم ۱۹/۸۵ شدم. از بچگی پای کامپیوتر نشسته‌ام. خیلی با کامپیوتر ور می‌رفتم. تعویض سیستم عامل و سخت‌افزار را به راحتی انجام می‌دهم. کتاب تخصصی ما از راه‌اندازی سیستم عامل شروع کرد که البته برای ما خیلی پایه‌ای و ساده بود. در کتاب ما نرم‌افزارهای به‌روز معرفی و آموزش داده می‌شوند، مثل ایلوستریتور.

دوره‌های اچ‌تی‌ام‌ال و سی‌شارپ را در کلاس‌های آموزشی بیرون، اضافه بر مدرسه، خواندم. برای خودم و به‌عنوان نمونه، سایت طراحی کرده‌ام؛ وب‌سایتی با فیلم‌های آموزشی. البته هنوز در شبکه قرار نگرفته. سایتی که خواهد به شبکه متصل شود، باید خیلی کار در آن عرضه کرد.

از طریق رشته‌ام درآمد نداشته‌ام، اما در مغازه یا جاهای دیگر کار کرده‌ام. به رایانه‌های فامیل هم رسیدگی کرده‌ام، هر چند پولی بابتش نگرفته‌ام. به کارهای دیگر هم واردم. تا حدودی به مکانیکی مسلط هستم. قبل از هنرستان سه ماه در مکانیکی کار کرده‌ام و صفر تا صد تعمیرات پراید را بلدم. تعمیرات پکیج و رادیاتور را هم تا حدودی بلدم.

در کتاب طراحی وب یازدهم مباحث به ترتیب ارائه نشده‌اند و خیلی هم پایه‌ای و مقدماتی هستند. من اگر کلاس‌های بیرون را شرکت نمی‌کردم، مبحث اچ‌تی‌ام‌ال را یاد نمی‌گرفتم. آقای آذری جهرمی را، چون هنرستانی و هم رشته خودم بوده‌است، دوست دارم.

کنکور برایم خیلی مهم است. دانشکده شمس‌پور را دوست دارم و دلم

امیرعلی اخلاقی: رشته الکترونیک، پایه یازدهم

من درسم خوب بود و نمره ورود به همه رشته‌ها را داشتم. همه می‌گفتند برو ریاضی بخوان.

با دیپلم فنی، اگر علاقه داشته باشی، موفق می‌شوی. کسی که برای مثال الکترونیک خوانده‌است، با دیپلم می‌تواند تعمیرات لوازم الکترونیکی را به راحتی انجام دهد. اما دبیرستانی‌ها چه؟ رقابت در دبیرستان هم سخت‌تر و بیشتر است. قبول شدن در کنکور دولتی خیلی سخت است و باید بروی دانشگاه آزاد که آن هم هزینه دارد. رشته ما هزینه چندانی ندارد و در مدرسه هم همه چیز داریم. البته در سال دهم معلممان گفت یک سری قطعات و ابزارها را بخريد تا بتوانید پروژه‌ها را در خانه انجام دهید. ابزارها در شرایط کرونایی هم خیلی به کارمان آمدند، اما شبکه شاد هنوز باید بهتر شود. کتاب‌ها به نسبت به‌روز هستند. ضعف رشته ما این است که درس زبان انگلیسی‌مان کم است. لازم است بیشتر واحد زبان داشته باشیم. برای تابستان امسال در فکر کار بودم، اما شرایط کرونا محدود کرد. من با آموخته‌های رشته‌ام می‌توانم کارهای الکترونیکی انجام دهم. مثلاً در شرکت‌ها تعمیر برد و لحیم‌کاری کنم. هنرستان به آدم جسارت می‌دهد!



با تشکر از:

کاظم سالک فرامرزی (رئیس اداره آموزش فنی و حرفه‌ای، و کاردانش استان البرز)؛ احسان رضایی (کارشناس مسئول فنی و حرفه‌ای)؛ امین زارعی (کارشناس فنی و حرفه‌ای)؛ ابوالفضل قاسمی، مدیر هنرستان موفقیان البرز.



است و شاید در رشته ما چندان کارآمد نیستند. کتاب بهای تمام شده کتاب خوبی است، ولی توضیح معلم دلسوز را نیاز دارد. ما کمی مشکل معلم داشتیم.

کار ندارم، اما نگران آن نیستیم. چون دوست داشتیم ببینم در جامعه چه خبر است، در رستوران و مغازه کار کردم. دوست ندارم با شاگردی شروع کنم. دوست دارم بدانم چطور کار راه اندازی کنم. می‌خواهم اصول کسب و کار را بدانم. این به بچه‌های فنی خیلی کمک می‌کند. کنکور برایم خیلی مهم است و دارم برای آن تلاش می‌کنم. دوره کارآموزی را در اداره دارایی کرج بومدم و خیلی تجربه خوبی بود. می‌خواستم جسارت هم پیدا کنم. هنرستان به آدم جریزه هم می‌دهد.

اسماعیل غفاری: هنر آموز مدرسه

این روزها چند دانش آموز داشتیم که از دهم تجربی می‌خواستند بیایند هنرستان. معدلشان بالای ۱۸ بود. می‌گفتند تحقیق کرده‌ایم و متوجه شده‌ایم در هنرستان بیشتر کار یاد می‌گیریم. الان رشته‌های فنی، به‌خصوص بعضی رشته‌ها، بازار هدف دارند و این است که متقاضی آن‌ها هم زیاد شده است. آن‌ها با علاقه خاصی می‌آیند.

احسان رضایی: کارشناس مسئول اداره فنی و حرفه‌ای استان البرز

هنرستانی‌ها با معلمان تخصصی‌شان خیلی خوب هستند و دوستشان دارند. اگر معلم زبان روی دستشان بزند، ناراحت می‌شوند، اما از معلم درس تخصصی‌شان حالا حالاها ناراحت نمی‌شوند. اگر شما دانش آموزی هنرستانی را در شهری دور، تنها، بی‌امکانات و بی‌پول رها کنید، خودش را به شهر سکونتش می‌رساند و گیر نمی‌کند! هنرستانی‌ها به تنهایی می‌توانند گلیم خود را از آب بکشند. هنرستانی خودکفا و خودساخته می‌شود. نوعی جسارت، اعتماد و استقلال پیدا می‌کند. در مفاهیم کتاب و درس غرق نیست. با جامعه به راحتی ارتباط برقرار می‌کند.

می‌خواهد در کنکور فنی در این رشته و در این دانشگاه پذیرفته شوم. لازم است بدانیم چطور وارد بازار کار شویم، چگونه از پایه شروع کنیم و حتی چطور رزومه بنویسیم.

میثم نجفی: رشته حسابداری، پایه دوازدهم

از روی علاقه آمدم حسابداری. برادرم را می‌دیدم که با اعداد کار می‌کرد و جدول می‌کشید، بیشتر علاقه‌مند شدم. بازار کار خوبی هم دارد. معدل ۱۹/۷۰ بود. خوبی هنرستان به این است که وقتی دیپلم بگیری، می‌توانی کار کنی. رشته ما هزینه اولیه چندان هم ندارد؛ هر چند، حسابداری چندان هم هنرستانی و فنی نیست. بچه‌های حسابداری مظلوم واقع شده‌اند. به نظر من این رشته نباید در رشته‌های فنی قرار می‌گرفت! بعضی‌ها فکر می‌کنند بچه‌های شیطان باید بیایند فنی، در حالی که اصلاً این‌طور نیست.

در مدرسه‌ها، انگار به بچه‌های فنی خیلی بها نمی‌دهند. آن‌ها را به چشم افرادی می‌بینند که آمده‌اند دیپلمی بگیرند و بروند. در حالی که بچه‌های هنرستانی با معرفت هستند و کارکن. اصلاً هم بچه‌های ته‌کلاسی نیستند. البته کسی که علاقه ندارد، نباید به هنرستان بیاید.

من سه سال اینجا درس خواندم، اما یک‌بار هم به سایت مدرسه نرفتم. درست است که در رشته ما چندان نیازی هم به سایت نبود، اما مثلاً حداقل یک دفتر کل یا دفتر معین حسابداری را در مدرسه ندیدم. در حق حسابداری کم‌لطفی می‌شود!

کتاب‌های فنی و تخصصی‌مان خدایی خیلی خوب هستند. طوری هستند که وقتی دیپلم بگیریم، آنقدر یاد گرفته‌ایم که بتوانیم بیرون کار کنیم. کتاب الزامات محیط کار خیلی به درد می‌خورد. اما کتاب‌های عمومی‌مان نه. برای مثال، از نظر من، کتاب‌های هویت اجتماعی و سواد رسانه تقریباً موضوعشان تکراری

